گفت‌وگوی احمد غلامی با عباس آخوندی

استراتژی مشارکت در زنجیره ارزش جهانی

تغییر اساسی در شیوه موازنه قدرت در سطح جهانی رخ داده است و دیگر بازدارندگی به‌وسیله ایجاد تعادل در تهدید، جای خود را به پایین آوردن سطح خطر برای شبکه زنجیره ارزش جهانی داده است. عباس آخوندی معتقد است به دلیل چنین تغییری باید چارچوبی برای حکمرانی امنیت شبکه‌ای در خلیج‌فارس ایجاد کرد. این چارچوب حکمرانی پیش از آنکه مکثی بر تهدید باشد، مبتنی بر ایجاد اعتماد در صیانت از زنجیره ارزش جهانی است. کشورهای بسیاری در منطقه و جهان در این زنجیره ارزش سهم دارند، جراکه دوره رویدادهای ژئوپلیتیک به سر آمده و اکنون جهان بر پاشنه ژئواکونومیک می‌گردد. از ایس‌رو باید تصویر و تصور خود را از قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا بازتعریف و بازسازی کنیم، خاصه تصاویری که به شیوه‌ای اغراق‌آمیز در بی اقلای آمریکا است. آخوندی معتقد است با درک موقعیت و قدرت خودمان در جهان، قدرت خواهیم بود نقش مؤثری ایفا کنیم و در این نظم تازه بازیگری قابل اعتنا باشیم.

عکس: علی کاوند، شرق

در ابتدای مقاله «چارچوبی برای حکمرانی امنیت شبکه‌ای در منطقه خلیج‌فارس، یک تغییر انکاره»، نوشته‌اید با تصحیح نظام لیبرال و برآمدن تدریجی نظمی نو مبتنی بر کاربست مستقیم زور از سوی کشورهای قدرتمند، این باور که به نظام لیبرال و حقوق بشر می‌توان اعتماد کرد مخدوش شده است، چراکه آنان نشان داده‌اند برای منافع خود حاضرند هر نظمی را زیر یا بگذارند. این امر باعث شده کشورهای کوچک یا میانی با واقعیتی جدی روبه‌رو شوند و آن اینکه در جهان تنها و آسیب‌پذیر هستند و در لبه‌ای کرفتار شده‌اند. از این لبه چگونه می‌توان رها شد؟

در ابتدای بحثی به‌خصوص در رسانه‌های رسمی وجود دارد مبنی بر اینکه آمریکا در حال افول است و در آینده چیزی به نام قدرت آمریکا وجود نخواهد داشت. موضوع اول این است که هم باید تصویری واقعی از وضعیت موجود جهانی داشته باشیم و هم تصویری از ده تا بیست سال آینده و ببینیم که در این نظم چه خواهد شد و ما کجای این نظم قرار خواهیم داشت. این دو بحث بسیار مهم است.

اولین مسئله این است که آمریکا در حال افول است یا نظم جهانی دچار بدکارکردی شده است. این بحث نظری بسیار مهمی است. از زمانی که جنگ سرد برقرار بود، دو قطب وجود داشت و این دو قطب باید این گونه به‌تناوب یا همزمان رقابت کند یک‌سری اصول بازی را رعایت می‌کردند که شامل همین نظم نهادی، سازمان ملل و قواعد ساختار بود. این نظم بعد از فروپاشی قطب شوروی، فاصله طبقه بازیگرها تا آمریکا فاصله طبقاتی زیادی شد. چین امروز را نگاه نکنید، چین سی‌وسیخ سال پیش بعد ۱۹۹۰ با چین امروز خیلی تفاوت داشت. بنابراین آمریکا بعد از فروپاشی شوروی، خودش را قطع مطلق جهان می‌دانست و به لیبرال‌ها یا نئ‌کانس‌ها می‌گفت ما دیگر رقیبی نداریم و ما